

بررسی اثربخشی الگوی بالینی خلاقیت درمانی بر تاب‌آوری کودکان کار

زهرا عزیزی^۱، فرامرز سهرابی^۲، علیرضا پیرخائفی^۳

^۱کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

^۲استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

^۳استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت بر تاب‌آوری کودکان کار اجرا گردید. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع شبه‌آزمایشی است. این پژوهش یک طرح شبه‌آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود که دوره پیگیری نیز پس از دو ماه بررسی گردید. جامعه پژوهش شامل کودکان کار شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ۳۰ کودک کار که دارای کمترین نمره تاب‌آوری بودند، انتخاب گردیده و به طور تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. برای گروه آزمایش یک دوره برنامه آموزش خلاقیت در ۱۰ جلسه، به مدت ۲۰ ساعت اجرا گردید. در این پژوهش از آزمون خلاقیت تورنس، پرسشنامه خودکارآمدی شرر و پرسشنامه تاب‌آوری کانر-دیویدسون استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از آزمون‌های تحلیل کواریانس و به کمک نرم افزار SPSS.22 استفاده شد و نتایج نشان داد که آموزش خلاقیت موجب افزایش تاب‌آوری در کودکان کار شده است و این نتایج پس از دو ماه در دوره پیگیری ثابت مانده است.

واژه‌های کلیدی: کودکان کار، آموزش خلاقیت، تاب‌آوری

مقدمه

کودکان و جوانان خیابانی در بسیاری از کشورها برای جامعه و ساختارهای شهروندی، ناراحت کننده محسوب می شوند چرا که بر اساس ارزش های طبقه متوسط جامعه آنها در اقدامات مجرمانه شرکت می کنند و مرزهای اخلاقی یک خانواده، مدرسه و جامعه ی ایده آل را رعایت نمی کنند. کودکانی که در خیابان ها کار می کنند، تصویر مطلوبی از یک کودک ایده آل را ارائه نمی دهند و حضور پیوسته و پویای آنها تهدیدی برای موفقیت جامعه بر اساس سبک زندگی غیرمهاجر، دیدگاه غیر قابل جایگزین درباره خانواده و کشور مدرن و درحال پیشرفت می باشد. در نتیجه ی این نوع طرز تفکر، جامعه و گروه های حاکم تلاش می کنند این گروه نامطلوب کودکان را بدنام کرده، آنها را در مضیقه قرار داده، آنها را پنهان کنند و فضای فیزیکی که این کودکان در آن فعالیت می کنند را محدود کنند. بر اساس مفاهیم نسخه های پنهان و عمومی و هنر کنترل نشدن، راهکارهایی وجود دارد که از طریق آنها این کودکان و جوانان خیابانی می توانند به کار خود ادامه دهند و از این بیزاری روانی جامعه رها شوند و به آزادی ذهنی و فیزیکی دست یابند. مطالعه خرده فرهنگ های کودکان کار نشان داد که آنها می توانند هویت های متفاوتی را به شکل مقاوم در برابر اجبارهایی که برای آنها وضع شده شکل دهند (۱).

در سراسر جهان دهها میلیون کودک در خیابان زندگی می کنند. بیشتر این کودکان با خانواده هایشان ارتباطی ندارند و یا ارتباط آنها محدود می باشد (۲)، به همین خاطر آنها به گروههای خیابانی شان برای حمایت فیزیکی، روانی و اجتماعی پناه می آورند. متأسفانه این گروههای خیابانی سوء استفاده فیزیکی، مصرف الکل و مواد را ترویج می دهند. کودکان خیابانی در دوران کودکیشان بیشتر در معرض ضربه های روانی و حوادث قرار دارند. آنها به احتمال بیشتری دارای مشکلات رفتاری شدید، بیماری های ذهنی جدی، ناتوانیهای فیزیکی و اختلالات مزمن سلامت هستند. آنها همچنین در بزرگسالی با فقر، بیکاری، بی ثباتی مسکن، حبس، بارداری های ناخواسته و مصرف مواد روبرو می شوند. در ادبیات رفاه امروزه کودکان خیابانی در طبقه "کودکان در معرض خطر" قرار گرفته اند. افرادی که با کودکان در معرض خطر کار می کنند باید مراقب باشند که مدام از خطرها و مشکلات کودکان خیابانی صحبت نکنند بلکه تا جاییکه ممکن است بر هویت قوی و احتمالات مثبت در زندگی آنها تأکید کنند. تاب آوری در سازگاری با آسیب پذیری های خارجی گذشته و اکنون ضروری است و همچنین برای باورهای فرد برای غلبه بر موانع و مشکلات آینده دلگرم کننده می باشد. تاب آوری نه تنها با دیگر شرایط روانی مانند افسردگی، خودکشی و عزت نفس همبستگی دارد، بلکه رفتار سالم را هم پیش بینی می نماید (۳).

این کودکان از جریان اصلی جامعه مستثنی هستند و عدم دسترسی به آموزش و پرورش و مهارت های حرفه ای فرصتهای آینده ی آنان را کاهش می دهد. کودکان رویاهای آینده هستند. کودکان کار هم بخشی از رویای آینده ی کشور هستند. به خاطر فقدان ضرورتهایی که پایه ای و حل شدنی هستند، کودکان کار نمی توانند به طور صحیح رشد کنند و به همین خاطر است که آنها نمی توانند به عنوان منابع انسانی کشور محسوب شوند. بنابراین برای پیشرفت کلی آنها، اطمینان از رشد و پیشرفت مناسب آنها، و محافظت از شهروندان آینده ی کشور، اکنون باید برنامه های موثری اجرا شود (۴).

نوجوان امروزی با خطر جنگ، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، عدم تعادل اکولوژیکی، آلودگی محیطی و بدتر از همه تغییرات سریع ساختار جامعه که روز به روز هم پیچیده تر می شود، روبروست (۵). برخی از افراد در برابر این مشکلات بسیار آسیب پذیرند، در حالی که برخی دیگر آرام، صبور و مطمئن با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند. تفاوت این دو دسته با ویژگی خاص تحت عنوان «تاب آوری» تعریف می شود. تاب آوری شامل مقاومت در برابر اتفاق های ناگوار، آرامش در میان تنش ها، هدف داشتن در زندگی، و خود متکی بودن در انجام وظایف است. تاب آوری میانجی رابطه ی بین اتفاق های ناگوار زندگی و نتایج ناگوار آنها در آینده می باشد. نتایج ناگوار آینده، مانند روش های مقابله ای فرسایشگر و کمبودهای سلامت روانی با تاب آوری محدود می شود. تاب آوری در میان کودکان و بزرگسالانی که دارای هوش بالاتر، عملکرد خانوادگی بهتر و نظارت نزدیکتر بزرگسالان هستند، بالاتر است (۶). لاتر،

کیچتی و بکر^۱، تاب‌آوری را به عنوان فرایند پویای سازگاری مثبت در بافت ناگواری‌های مهم زندگی تعریف می‌کنند. تاب‌آوری ماورای سازگاری است و تلاش برای مقابله با ناگواری‌ها، پیشرفت فردی و بهبود روابط فردی را نیز شامل می‌شود. تاب‌آوری فرایند پویایی است که در طی آن افراد ویژگی‌های شخصی و منابع محیطی قابل دسترس خود را به کار می‌برند تا به طور موفقیت آمیزی در زندگی ظاهر شده و هر آنچه که در زندگی با آن مواجه می‌شوند را سپری کنند. تاب‌آوری به عنوان فاکتور محافظت کننده‌ای در برابر بروز مشکلات رفتاری عمل می‌کند. گروتبرگ^۲ تاب‌آوری را به عنوان قابلیت عمومی تعریف کرده است که به شخص، گروه یا جامعه این امکان را می‌دهد تا از آسیب‌رسانی شرایط نامساعد جلوگیری کرده، بکاهد یا بر آن غلبه کند. تاب‌آوری فرایندی پویا است که در طی زمان رشد می‌کند، البته اکتساب تاب‌آوری مرتبط با سن نیست، بلکه با آموزش‌های دریافت شده در گذر زمان و عمر مرتبط است. تاب‌آوری قابلیت تغییر و اصلاح داشته و با درمان افزایش می‌یابد. بازنگری ادبیات تاب‌آوری بیانگر آن بود که مراقبت پاسخگر و انگیزش روانی نیز برای پرورش تاب‌آوری ضروری هستند (۶).

با تقویت ویژگی تاب‌آوری می‌توان عملکرد و نتایج بهتری در زندگی داشت. انواع متنوعی از مداخله‌ها برای کمک به پرورش تاب‌آوری در جوانان مدنظر است. برخی از این مداخلات بر تقویت فاکتورهای حمایت‌گر در سطح خانواده متمرکز بوده و برخی دیگر بر عوامل فردی تاکید دارند. آشکار است که اوایل کودکی پنجره‌های مهم از زمان برای فهم و ارتقاء تاب‌آوری است. در طی این سال‌ها، ریشه‌های مهارت بنا نهاده شده و بسیاری از سیستم‌های حمایت‌گر مهم در رشد فرد پدیدار می‌شوند. برخی از کودکان تاب‌آوری را طی فرایندهای طبیعی رشد می‌دهند، در حالی که سایر کودکان به کمک احتیاج دارند (۷). بررسی‌ها نشان داده‌اند که اوایل کودکی در دریافت این تقویت‌ها بسیار مهم است و رشد مثبت شناختی، اجتماعی و مهارت‌های خودتنظیمی را تسهیل می‌سازد و احتمال آن را که کودکان بزرگتر با روابط دلبستگی سالم و منبع درونی سازگارکننده، شروع خوبی در زندگی داشته باشند و به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برای موفقیت در هنگام ورود به مدرسه و جامعه مجهز باشند، را افزایش می‌دهد. چنین کودکانی معمولاً در مواجهه با ناگواری‌ها تاب‌آوری بالایی را نشان می‌دهند. بزرگترین تهدیدها برای کودکان بزرگتر زمانی آشکار می‌شود که سیستم‌های کلیدی حمایت‌گر رشد انسانی آسیب دیده یا مختل شوند (۸).

بررسی‌ها نشان داده که خلاقیت قادر است سطوح رویارویی با استرس‌ها را تحت تأثیر قرار داده و انطباق روانی را در افراد بیافزاید. به سخن دیگر، خلاقیت با افزایش توان حل مساله در افراد و درگیر کردن آن‌ها با مشکلات و موانع قادر است به افزایش اعتماد بنفس و کارآمدی در افراد بیانجامد. بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری زمانی پدیدار می‌گردد که فرد از توان ذهنی و شخصیتی لازم برای مقابله با آن‌ها برخوردار نیست و به اصطلاح تسلیم می‌گردد. خلاقیت با ارتقای سطح عملکردی ذهن که با افزایش قابلیت‌های شناختی همراه است به افراد این توان جدید را می‌دهد که ایده‌ها بهتر و موثرتری را برای رویارویی با مشکلات و چالش‌های زندگی تولید کنند. از طرف دیگر، احساس تسلط و احاطه بر مسایل نیز به اعتماد به نفس، پشتکار و اراده ورزی که از عناصر شخصیتی هستند منجر می‌شوند (۹). بنابراین، کودکان و نوجوانان خلاق چنانچه در جهت مثبت مورد هدایت قرار گیرند می‌توانند به صورت واقع بینانه تری به مشکلات نگاه کرده و خلاقیت یکی از عوامل موثر در حل مشکلات آنان می‌باشد؛ هدایت ظرفیت‌های خلاق افراد موضوعی نیست که براحتی اتفاق بیافتد بلکه به برنامه ریزی نیازمند است (۱۰).

بدون تردید نقش و اهمیت دوران کودکی به عنوان دورانی که می‌تواند بستر مناسبی در جهت شکل‌گیری شخصیت و هم‌چنین ارتقاء سطح توانایی‌های آتی انسان باشد بر کسی پوشیده نیست. بنابراین با توجه به اهمیت خلاقیت به عنوان پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه اندیشه انسان و با توجه به اینکه خلاقیت موهبتی الهی و همگانی است که ظهور آن نیازمند پرورش است و به قول تورنس ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه امری حیاتی است، در شرایط کنونی، مسئله‌ی خلاقیت از مسائل مهم به

¹ Lutter Cicchetti Becker

² Grotberg

شمار می رود و بدین منوال می توان اهمیت و ضرورت بررسی تأثیر خلاقیت (به عنوان ملاکی برای حل مسئله در کودکان) بر تاب‌آوری و خودکارآمدی (به عنوان ملاکهایی از عوامل حفاظتی سلامت کودک در برابر آسیبها) را چنین بیان نمود که خلاقیت، کنار آمدن فرد با موقعیتهای دشوار و کودک تاب آور کسی است که قادر به سازگاری سریع و شناخت وضعیت و فهم روشن آنچه اتفاق افتاده است باشد (۱۱).

تمرکز بر روی خلاقیت در دو دهه ی اخیر به خاطر تغییرات در محیط بازرگانی، رقابت در تجارت جهانی و اقتصاد دانش محور که شغلها را پیچیده تر کرده است، افزایش یافته است. عمق، وسعت و سرعت تغییرات که تجارت امروزی را فرا گرفته است همراه با گرایش هایی مانند جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و اقتصاد دانش محور، سازمان ها را مجبور کرده است که بیشتر خلاق باشند. یادگیری خلاقیت دانش آموزان را برای زندگی خارج از کلاس آماده می کند. خلاقیت یک مهارت ضروری برای همگان می باشد که آنها را برای مشاغل وابسته به تکنولوژی و حل مسئله-محور آماده می کند. مولفه های خلاقیت-انگیزه و خودآگاهی، انعطاف پذیری و اصالت، جسارت ورزی و سوال پرسیدن، و نه تنها توانایی تصور پاسخ های گوناگون برای یک مسئله بلکه دست یافتن به یک نتیجه کارآمد و دست یافتنی- در واقع مهارت های نجات دهنده در قرن ۲۱ می باشند. شرکت کردن در فعالیت های خلاق موجب تقویت اعتماد و احترام به نفس که با سلامت ذهنی در ارتباط هستند، می شود. فعالیت های خلاق همچنین در راستای ارتقای تغییر رفتار و سبک زندگی سالم مؤثر بوده است. کودکان و نوجوانانی که در این فعالیت ها شرکت کرده اند کمتر در معرض سوء مصرف مواد بوده اند و رفتار آنها بهبود یافته است و در مهارت های بین فردی پیشرفت کرده اند. پروژه های خلاق می تواند به هدایت جوانان به سوی احساس ارزشمندی خود و مهارتهای زندگی به عنوان مکانیسمی برای ارتقای تغییر رفتار و سبک زندگی سالم منجر شود. فعالیت خلاق همچنین می تواند موجب افزایش خودکارآمدی و تاب‌آوری شود (۱۲).

کودکان کار بخشی از اعضای جامعه هستند که می توانند نیروهای موثری برای آینده کشور باشند. این کودکان مانند کودکان دیگر دارای استعدادهای نهفته ی بسیاری هستند اما شرایط سخت زندگی و کمبود امکانات مانع از پیشرفت آنها می شود. اگر جامعه در مقابل این کودکان احساس مسئولیت بیشتری بکند و بتواند برنامه هایی را برای پیشرفت آنها تدوین نماید، این کودکان تبدیل به نیروهای فعالی برای پیشرفت کشور در آینده خواهند شد. پژوهش حاضر نشان داد که برنامه های کم هزینه ای مانند یک دوره آموزشی ۲۰ ساعته می توانند به افزایش خودکارآمدی و تاب‌آوری این کودکان کمک کند و از این طریق آنها را برای پیشرفت بیشتر و حضور موثرتر در جامعه یاری نماید.

خلاقیت به عنوان یک مولفه روانی، می تواند نقش بسیار مهمی در پیشرفت جامعه داشته باشد. این مولفه روانی در حوزه های متفاوتی مانند تجارت، صنعت، روابط بین الملل و ... دارای نقش کاربردی و موثری می باشد. آموزش خلاقیت طبق الگوی بالینی خلاقیت درمانی نشان داد که این مولفه می تواند در حوزه سلامت هم نقش اساسی ایفا نماید و ما با استفاده از این الگوی درمانی می توانیم به سلامت بیشتر جامعه کمک نماییم.

روش پژوهش:

در این پژوهش به بررسی اثربخشی الگوی بالینی خلاقیت درمانی بر تاب‌آوری کودکان کار پرداخته شد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ نحوه جمع آوری داده ها از نوع شبه آزمایشی بوده است. الگوی بالینی خلاقیت درمانی به عنوان متغیر مستقل و تاب‌آوری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. این پژوهش یک طرح شبه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود که دوره پیگیری نیز پس از دو ماه بررسی گردید. جامعه پژوهش شامل کودکان کار شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ۳۰ کودک کار که دارای کمترین نمره خودکارآمدی و تاب‌آوری بودند، انتخاب گردیده و به طور تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. برای گروه آزمایش یک دوره برنامه آموزش خلاقیت در

۱۰ جلسه، به مدت ۲۰ ساعت اجرا گردید. در این پژوهش از آزمون خلاقیت تورنس و پرسشنامه تاب‌آوری کانر-دیویدسون استفاده شد.

آزمون تفکر خلاق تورنس^۱: هدف آزمون تفکر خلاق تورنس، سنجش خلاقیت و تفکر خلاق می باشد. اشکال تصویری آزمون های تفکر خلاق تورنس نیازمند پاسخ هایی است که به طور عمده ماهیت ترسیمی یا تجسمی دارند و استفاده از آزمون های تصویری از سطح کودکان تا سطوح بالاتر از دبیرستان توصیه گردیده است. این آزمون از ۳ مرحله تشکیل شده است: **فعالیت ترسیم اشکال و تصاویر:** تکه کاغذی رنگی (تخم مرغ شکل) به دانش آموز داده می شود و از وی خواسته می شود تصویری را خلق کند که با تصاویر دیگر متفاوت باشد و همچنین نام یا عنوانی برای آن پیدا کند. **فعالیت تکمیل تصاویر ناقص:** از دانش آموز خواسته می شود که با اضافه کردن خطوطی به شکل های ناقص در دو صفحه، تصویر جالبی برای شکل خود خلق نماید که با اشکال دیگر متفاوت باشد و یک عنوان جالب برای آن انتخاب کند. **فعالیت ساخت اشکال و تصاویر با استفاده ترکیبی از اشکال هندسی:** در صفحه، خطوط موازی کشیده شده است و از دانش آموز خواسته می شود علامت هایی را به این خطوط موازی اضافه کند و تصویر جدیدی را خلق کند و عنوانی را برای آن انتخاب کند. زمان پاسخگویی به هر فعالیت ۲۰ دقیقه و کل آزمون ۹۰ دقیقه به طول می انجامد. در راهنمای مجموعه آزمون های تورنس، رهنمودهای مفصلی برای نمره گذاری، همراه با مثال های متعدد، ارائه شده است. تورنس به این موضوع اشاره میکند که نمرات بالا، که از طریق آزمون «تفکر خلاق» به دست می آید، بیانگر بالا بودن احتمال عملکرد خلاق در فرد می باشد. نمره گذاری پاسخ ها در دفترچه راهنمای آزمون خلاقیت تورنس به شرح زیر است:

اصالت: مطابق جدول برای هر فعالیت جداگانه نمره گذاری می شود. بسط: هر جزء (ایده) وابسته (مربوط) که به خود شکل محرک اصلی، به مرزهای آن یا فضای اطراف آن اضافه شده باشد، امتیاز داده می شود. انعطاف پذیری: به وسیله محاسبه تعداد مقوله های مختلفی که پاسخ در آن اتفاق افتاده است به دست می آید. سیالیت: به وسیله محاسبه تعداد اشکال کامل شده به دست می آید. محاسبه روایی سازه و محتوایی آزمون که به روش تحلیل عاملی صورت گرفته است، شواهد نظری و تجربی قابل قبولی در حمایت از روایی هر یک از قسمتهای آزمون به دست داده است

مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون: مقیاس تاب‌آوری کانر -دیویدسون (CD-RISK کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) یک ابزار ۲۵ سؤالی است که سازه ی تاب‌آوری را در اندازه های پنج درجه ای لیکرت از صفر تا چهار می سنجد. حداقل نمره ی تاب‌آوری آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ی وی صد است. نتایج مطالعه ی مقدماتی مربوط به ویژگی های روان سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده است. همسانی درونی، پایایی بازآزمایی و روایی همگرا و واگرایی مقیاس، کافی گزارش شده اند و گرچه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی وجود پنج عامل (شایستگی/استحکام شخصی، اعتماد به غرایز شخصی/تحمل عواطف منفی، پذیرش مثبت عواطف/روابط ایمن، مهار، معنویت) را برای مقیاس تاب‌آوری تأیید کرده است، چون پایایی و روایی زیرمقیاس ها هنوز به طور قطع تأیید نشده اند، در حال حاضر فقط نمره ی کلی تاب‌آوری برای هدف های پژوهشی معتبر محسوب می شود. پایایی و روایی فرم فارسی مقیاس تاب‌آوری نیز در مطالعات مقدماتی نمونه های بهنجار و بیمار مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در خصوص این تحقیق با توجه به جدول مربوطه در مورد متغیر تاب‌آوری که شامل ۲۵ سؤال بوده است، میزان شاخص آلفای کرونباخ به میزان ۰.۸۶٪ در حد قابل قبول و تأیید کننده پایایی پرسش نامه می باشد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰.۸۳٪ بوده است.

¹ Torrance

یافته ها

بر اساس نتایج توصیفی به دست آمده از جدول و نمودار شماره ۱، در مرحله پیش آزمون میانگین نمرات افراد نمونه در دو گروه آزمایش و کنترل تقریباً نزدیک به هم می باشد. در حالی که در مرحله پس آزمون و نیز پیگیری نمرات آزمودنیها در گروه آزمایش تغییر محسوسی ایجاد شده است.

جدول ۱. شاخصه های توصیفی متغیر تاب آوری کودکان کار در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	گروه	پیش آزمون		پس آزمون		پیگیری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
تاب آوری	آزمایش	40.1333	9.56830	82.0667	7.00476	3.02056
	کنترل	42.8000	12.04871	42.9333	14.63102	14.58799

با توجه به داده های جدول ۲ چون مقدار $F=87/299$ با درجات آزادی (۱ و ۲۸) در مورد تأثیر آموزش خلاقیت در افزایش تاب آوری کودکان کار در سطح $\alpha=0/05$ معنادار می باشد ($P=0/001$). لذا می توان نتیجه گرفت که الگوی بالینی خلاقیت درمانی موجب افزایش تاب آوری کودکان کار می شود و مقدار اتا نشان می دهد که تأثیر الگوی بالینی خلاقیت درمانی در افزایش تاب آوری کودکان کار ۷۵/۷ درصد می باشد. با توجه به اینکه میانگین نمرات گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در مرحله پس آزمون افزایش را نشان می دهد، بنابراین فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تایید می گردد.

جدول ۲. خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس در مورد بررسی تأثیر الگوی بالینی خلاقیت درمانی در افزایش تاب آوری کودکان کار

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر همپراش	117187.500	1	117187.500	890.708	۱.00	.970
اثر گروه	11485.633	1	11485.633	87.299	۱.00	.757
خطا	3683.867	28	131.567			
کل	132357.000	30				

جدول ۳. آزمون موچلی به منظور بررسی مفروضه کرویت

آزمون درون گروهی		آزمون موچلی	
متغیر	W موچلی	خی یک	درجه آزادی
امید به زندگی	.528	8.306	2
			سطح معناداری
			.016

مطابق با اطلاعات جدول ۳، چون نتیجه آزمون موچلی معنادار است؛ بنابر این می توان نتیجه گرفت که مفروضه کرویت برقرار نیست و به همین خاطر می توانیم از نتیجه آزمون های درون گروهی با تعدیل درجات آزادی آزمون هوبین فلت استفاده کنیم. چنانچه از جدول ۴ منتج می شود مقدار مشخصه آماری F با مقدار ۲۶۴/۴۶۹ عامل زمان در سطح معناداری $\alpha=0/05$ معنادار است یعنی با احتمال ۹۵٪ درصد می توان نتیجه گرفت که تغییر (افزایش) در مراحل مختلف آزمون معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی در مراحل مختلف آزمون در گروه آزمایش نیز نشان می دهد که میانگین سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری نیز تفاوت

معناداری دارد. بنابراین این اثر بخشی الگوی بالینی خلاقیت درمانی در افزایش تاب‌آوری کودکان بعد از گذشت دو ماه ماندگار مانده است.

جدول ۴. نتایج مشخصه‌های چهارگانه F^۲ مربوط به تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر در مورد آزمون پیگیری تأثیر الگوی بالینی خلاقیت درمانی در افزایش تاب‌آوری کودکان (گروه آزمایش)

شاخص	مجموع	درجات	میانگین	F	سطح معناداری
منابع تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		
اثر زمان	21272.578	2	10636.289	264.469	.00۱
کرویت فرض شده	21272.578	1.359	15658.111	264.469	.00۱
گرین هاوس - گیسر	21272.578	1.454	14632.099	264.469	.00۱
هوین - فلت	21272.578	1.000	21272.578	264.469	.00۱
باند بالا	1126.089	28	40.217		
خطا	1126.089	19.020	59.206		
کرویت فرض شده	1126.089	20.354	55.326		
گرین هاوس - گیسر	1126.089	14.000	80.435		
هوین - فلت					
باند بالا					

جدول ۵. نتایج آزمون پیگیری بونفرونی در مورد نتایج تحلیل اندازه‌های مکرر در آزمون پیگیری

سطح معناداری	انحراف معیار	اختلاف میانگین	I	J
		(I - J)		
۱.00	2.884	-41.933*	پس آزمون	پیش آزمون
۱.00	2.406	-49.400*	پیگیری	
۱.00	2.884	41.933*	پیش آزمون	پس آزمون
۱.00	1.407	-7.467*	پیگیری	
۱.00	2.406	49.400*	پیش آزمون	پیگیری
۱.00	1.407	7.467*	پس آزمون	

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش خلاقیت موجب افزایش تاب‌آوری کودکان کار می‌شود و مقدار تأثیر الگوی آموزش خلاقیت در افزایش تاب‌آوری کودکان کار ۷۵/۷ درصد می‌باشد. همچنین بررسی‌های پژوهش در دوره پیگیری حاکی از آن بود که اثر بخشی آموزش خلاقیت در افزایش تاب‌آوری کودکان بعد از گذشت دو ماه ماندگار مانده است. پژوهش‌های پیشین اثر بخشی آموزش خلاقیت با الگوی بالینی خلاقیت درمانی در حوزه‌های انگیزه و عملکرد تحصیلی، امید و شادکامی، اضطراب، افسردگی و پرخاشگری، تعارضات و رضایتمندی زناشویی، وسواس، اضطراب و افسردگی پس از زایمان، کاهش نشانگان خود فریبی، خشم و افزایش توانایی مقابله با فشار روانی، را نشان داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز اثربخشی آموزش خلاقیت با الگوی بالینی خلاقیت بر افزایش خودکارآمدی و تاب‌آوری را نشان داد.

تاب‌آوری فرایندی پویا است که موجب سازگاری مثبت در بافت ناگواری های مهم زندگی می شود. تبیین پژوهشگر بر آن است که خلاقیت عنصری است که می تواند این پویایی را در فرد ایجاد کند و به نظر می رسد با افزایش انعطاف پذیری و ایجاد انگیزه درونی در فرد می تواند موجب سازگاری او و افزایش تاب‌آوری در فرد شود. انعطاف پذیری موجب افزایش تنوع و تفاوت در سطح تولیدات ذهنی می شود و حرکت های متفاوتی را در توانایی های سطح اول ذهن ایجاد می کند. ذهن و شخصیت برای مواجهه با موقعیت های متفاوت انسانی نیازمند به عملکردهای گوناگونی در همه زمینه های فکری، عاطفی و رفتاری هستند. بنابراین افراد با یادگیری انعطاف پذیری، در حوزه خلاقیت، می آموزند که با تنوع در تولیدات ذهنی، به پاسخی که مقتضی به شرایط است، بیندیشند و بدینوسیله تاب‌آوری آنها ارتقا می یابد. همچنین آموزش خلاقیت با آموزش طراحی ذهنی و حل مسئله و آموزش الگوهای کلامی می تواند موجب سازگاری مثبت فرد شود و تاب‌آوری او را افزایش دهد. افزایش آگاهی نسبت به پیام های غیر کلامی و حرکتی که فرد از خود صادر می کند می تواند در تنظیم و بهسازی روابط بین افراد تأثیر بگذارد که این امر افزایش تاب‌آوری فرد را در پی دارد. به طور کلی آموزش خلاقیت با ایجاد توانمندی در ذهن و شخصیت افراد، می تواند آنها را در مواجهه بهتر و مناسب تر با شرایط و موقعیت های مختلف زندگی یاری نموده و در نتیجه آنها را افرادی تاب آور بنماید.

پروژه های خلاق می تواند به هدایت جوانان به سوی احساس ارزشمندی خود و مهارت‌های زندگی به عنوان مکانیسمی برای ارتقای تغییر رفتار و سبک زندگی سالم منجر شود.

تاب‌آوری شامل مقاومت در برابر اتفاق های ناگوار، آرامش در میان تنش ها، هدف داشتن در زندگی، و خود متکی بودن در انجام وظایف است. تاب‌آوری میانجی رابطه ی بین اتفاق های ناگوار زندگی و نتایج ناگوار آنها در آینده می باشد. نتایج ناگوار آینده، مانند روش های مقابله ای فرسایشگر و کمبودهای سلامت روانی با تاب‌آوری محدود می شود. تاب‌آوری در میان کودکان و بزرگسالانی که دارای هوش بالاتر، عملکرد خانوادگی بهتر و نظارت نزدیکتر بزرگسالان هستند، بالاتر است.

کودکان کار بخشی از اعضای جامعه هستند که می توانند نیروهای موثری برای آینده کشور باشند. این کودکان مانند کودکان دیگر دارای استعداد های نهفته ی بسیاری هستند اما شرایط سخت زندگی و کمبود امکانات مانع از پیشرفت آنها می شود. اگر جامعه در مقابل این کودکان احساس مسئولیت بیشتری بکند و بتواند برنامه هایی را برای پیشرفت آنها تدوین نماید، این کودکان تبدیل به نیروهای فعالی برای پیشرفت کشور در آینده خواهند شد. پژوهش حاضر نشان داد که برنامه های کم هزینه ای مانند یک دوره آموزشی ۲۰ ساعته می توانند به افزایش خودکارآمدی و تاب‌آوری این کودکان کمک کند و از این طریق آنها را برای پیشرفت بیشتر و حضور موثرتر در جامعه یاری نماید.

خلاقیت به عنوان یک مولفه روانی، می تواند نقش بسیار مهمی در پیشرفت جامعه داشته باشد. این مولفه روانی در حوزه های متفاوتی مانند تجارت، صنعت، روابط بین الملل و ... دارای نقش کاربردی و موثری می باشد. آموزش خلاقیت طبق الگوی بالینی خلاقیت درمانی نشان داد که این مولفه می تواند در حوزه سلامت هم نقش اساسی ایفا نماید و ما با استفاده از این الگوی درمانی می توانیم به سلامت بیشتر جامعه کمک نماییم.

منابع

1. Baytemir, K. (2016). The mediation of interpersonal competence in the relationship between parent and peer attachment and subjective well-being in adolescence. *Education & Science, 41*(186), 69–91. <https://doi.org/10.15390/EB.2016.6185>.

2. Ben-Zur, H. (2003). Happy adolescents: The link between subjective well-being, internal resources and parental factors. *Journal of Youth and Adolescence*, 32(2), 67–79. <https://doi.org/10.1023/A:1021864432505>.
3. Akça Koca, D., & Erden, S. (2018). The effect of cognitive-behavioral group counseling on psychological resilience and level of humor in adolescents. *Life Skills Journal of Psychology*, 2(3), 61–72.
4. Altun, E. (2006). *The effect of rational emotional-based safety education on the irrational belief and security levels of fifth grade students in primary education*. Unpublished master's thesis, Gazi University.
5. Arnberg, A., & Öst, L. G. (2014). CBT for children with depressive symptoms: A meta-analysis. *Cognitive Behaviour Therapy*, 43(4), 275–288. <https://doi.org/10.1080/16506073.2014.947316>.
6. Bacakoğlu, H. A. (2002). *The effect of rational emotional education on the development of self-concept and rational thinking in children who do not see*. Unpublished doctoral thesis, İstanbul University.
7. Buğa, A., & Hamamcı, Z. (2016). The effect of web-based interactive and traditional psychoeducational programs based on cognitive behavioral approach on children's cognitive errors and psychological symptoms. *Gaziantep University Journal of Social Sciences*, 15(3), 783–809.
8. Bowes, L., & Jaffee, S. R. (2013). Biology, genes, and resilience: Toward a multidisciplinary approach. *Trauma, Violence, & Abuse*, 14(3), 195–208.
9. David, D., Cristea, I., & Hofmann, S. G. (2018). Why cognitive behavioral therapy is the current gold standard of psychotherapy. *Frontiers in Psychiatry*, 9(4), 1–3. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2018.00004>.
10. Brunwasser, S. M., & Gillham, J. E. (2018). Identifying moderators of response to the Penn Resiliency Program: A synthesis study. *Prevention Science*, 19(1), 38–48. <https://doi.org/10.1007/s11121-015-0627-y>.
11. Compton, W. C. (2000). Meaningfulness as a mediator of subjective well-being. *Psychological Reports*, 87(1), 156–160. <https://doi.org/10.2466/PRO.87.5.156-160>.